

چرا عربستان سعودی سیاست‌های نفتی خود را مطابق خواسته‌های غرب تنظیم می‌کند؟

وابستگی به اسم توسعه



■ **محور اول: همسویی ژئوپلیتیک و تحمیل سیاست عرضه بالا**
یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ایالات متحده، صرف‌نظر از دولت حاکم، همواره تضمین ثبات قیمت نفت در سطوحی است که نه‌تنها فشار تورمی بر اقتصاد داخلی آمریکا وارد نکند، بلکه قدرت ماثور سیاسی واشنگتن در برابر رقبایی مانند روسیه و ایران را نیز افزایش دهد. در دولت‌های اخیر آمریکا و به طور ویژه در دوران ترامپ، این فشار برای حفظ عرضه بالا و قیمت پایین نفت، به وضوح بر ریاض اعمال شده است.

عربستان سعودی با اتخاذ رویکرد «وابستگی» در این سیاست، ترجیح داده است نقش یک تأمین‌کننده قابل اتکا برای اقتصاد آمریکا را ایفا کند، حتی اگر این نقش با الزامات داخلی آن برای تأمین مالی طرح‌های جاهطلبانه مغایرت داشته باشد. این تعهد ضمنی به عرضه بالا، در واقع به عنوان یک کارت بیمه برای تضمین حمایت نظامی و سیاسی واشنگتن از پادشاهی سعودی تلقی می‌شود. نتیجه این تصمیم سرازیر شدن حجم عظیمی از نفت به بازار بوده که اثر مستقیمی بر کاهش قیمت‌ها داشته و عملاً سقف رشد قیمت را محدود کرده است.

■ **محور دوم: گسست بزرگ مالی؛ نیازهای بودجه‌ای در مقابل درآمدهای واقعی**

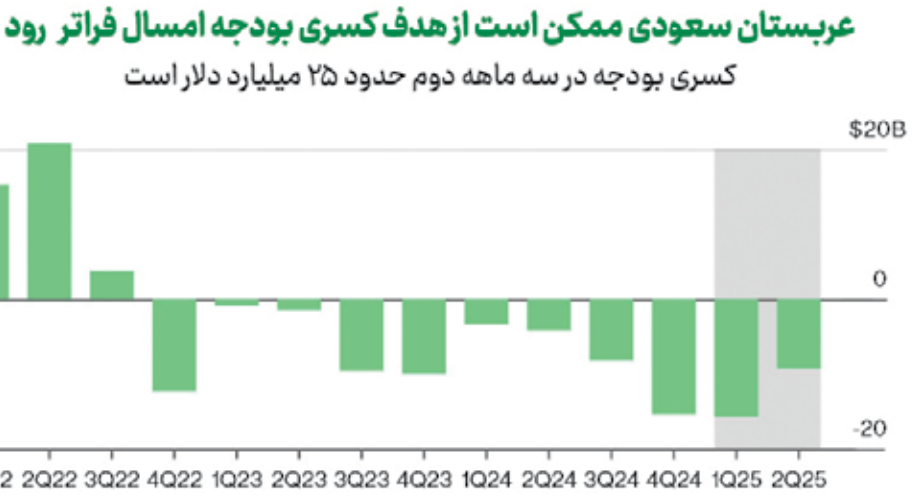
خسارات وارده به اقتصاد عربستان در تضاد فاحش میان هزینه‌های دولت و درآمد نفتی حاصل از قیمت‌های پایین آشکار می‌شود. برای کشوری که بیش از ۸۰ درصد از درآمدهای صادراتی و حدود ۹۰ درصد از درآمدهای بودجه‌ای آن مستقیما

عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در جهان و رهبر عملاً گروه اوپک پلاس، نقش محوری و بی‌بدیلی در تعیین قیمت‌ها و ثبات بازار جهانی انرژی ایفا می‌کند. با این حال، طی دهه‌های متمادی، رابطه استراتژیک و پیچیده ریاض با واشنگتن، بویژه در دوران‌های حساس سیاسی مانند دولت دونالد ترامپ، این پادشاهی را در یک دوراهی حساس قرار داده است: آیا باید منافع مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت خود را بر اساس نیازهای بودجه‌ای کشور تنظیم کند یا همسویی ژئوپلیتیک و استراتژیک با متحد اصلی خود یعنی ایالات متحده را در اولویت قرار دهد؟

استدلال محوری این پادداشت بر این پایه استوار است که سیاست‌های نفتی عربستان سعودی که به طور عملی در دهه‌های اخیر و بویژه در برهه‌هایی خاص، به سمت عرضه بالا و پایین نگه داشتن مصنوعی قیمت نفت به نفع اقتصاد آمریکا و مصرف‌کنندگان آن سوق داده شده است، یک «خسارت خودخواسته» را بر اقتصاد داخلی این کشور تحمیل کرده است. این خسارت نه‌تنها ذخایر ارزی کشور عربستان سعودی را تحت فشار قرار داده، بلکه مهم‌ترین و بلندپروازانه‌ترین شاخص توسعه و آینده‌نگری سعودی‌ها، یعنی پروژه عظیم نئوم را نیز به محاق برده و روند اجرای آن را به طور جدی کند کرده است.



محمدطاهر رحیمی



عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره بهانه‌های وزارت راه و شهرسازی در اجرا نکردن طرح حمایت از مسکن:

حذف ماده ۵۰ برنامه هفتم قابل قبول نیست

برای حذف این ماده قانونی اظهار داشت: «ظاهراً در اصلاحیه برنامه هفتم، وزارت راه در صدد حذف این تکلیف است، در حالی که عملکردش در اجرای آن صفر بوده است، طبیعی است که مجلس با چنین حذفی مخالفت خواهد کرد، مگر اینکه دولت راه‌حل دیگری ارائه و ما را اقناع کند.» مثلاً اگر منابع جدیدی پیدا کرده باشند، یا برنامه مشارکت بلاعوض برای ۲ دهک یا ۴ دهک پایین جامعه ارائه‌دهند، می‌توان مسیر جایگزین را بررسی کرد.» وی ادامه داد: «حذف ماده ۵۰ بدون هیچ جایگزینی، اصلاً پذیرفتنی نیست. ما نمی‌توانیم امید مردم را از بین ببریم، حتی اگر قرار باشد زمین ۶۰۰ هزار واحد مسکونی تحویل شود، نیازمند حدود ۱۰۰ هزار هکتار زمین است و این کار ساده‌ای نیست اما شدنی است. بسیاری از قوانین برنامه‌های قبلی فقط ۲۰ درصد اجرا شده‌اند؛ اگر دولت نیمی از هدف این قانون را هم محقق کند نمره قابل قبولی می‌گیرد.»

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با اشاره به ضرورت نگاه منعطف و اصلاحی گفت: «یکی از راه‌های جایگزین می‌تواند افزایش تراکم باشد. یعنی به جای حذف واگذاری زمین، دولت تراکم ساخت را در برخی مناطق ۲ برابر کند. اگر الان در شهری تراکم چهار طبقه است، آن را به ۸ طبقه افزایش دهند. در این حالت سازندگان با همان زمین می‌توانند ۲ برابر واحد تولید کنند؛ نصف آن برای مردم نیازمند که ثبت‌نام کرده‌اند و نصف دیگر برای سازنده.»

وی افزود: «این روش می‌تواند باعث شود مردم فقط از محل وام‌ها هزینه کنند و پرداختی دیگری نداشته باشند. امروز حتی اگر دولت زمین رایگان بدهد، شرایط اقتصادی مردم به‌گونه‌ای است که توان تزریق ۱۰۰ یا ۲۰۰ یا ۵۰۰ میلیون تومان را ندارند. موضوع فقط ۳ دهک پایین نیست؛ ۶ دهک پایین هم از عهده ساخت‌وساز بر نمی‌آیند. بنابراین باید به سمت واگذاری زمین برای دهک‌های پایین و افزایش تراکم برای سازندگان برویم. در این مدل، سازندگان انگیزه ورود دارند و مردم هم با کمترین هزینه می‌توانند صاحب مسکن شوند. این یک الگوی منطقی و قابل اجراست.»

رنجبرزاده در پایان گفت: «حذف ماده ۵۰ هیچ راهی را باز نمی‌کند اما اصلاح آن می‌تواند مسیر خانه‌دار شدن مردم را

از یک طرح عمرانی است؛ این پروژه نمادین، ستون فقرات برنامه تحول اقتصادی «چشم‌انداز ۲۰۳۰» محمد بن سلمان و شاخص اصلی توسعه و گذار عربستان سعودی از اقتصاد متکی به نفت به یک اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌محور است.
ننوم که شامل طرح‌های انقلابی مانند شهر خطی لاین (The Line)، منطقه صنعتی شنلور آکساگون (Oxagon) و مقصد گردشگری کوهستانی تروjena (Trojena) است، با سرمایه‌گذاری برآورد شده ۵۰۰ میلیارد دلار، قرار بود چهره عربستان را در سطح جهانی تغییر دهد.

عربستان سعودی این پروژه را به عنوان شاخص توسعه، نوآوری و قدرت مالی خود به دنیا معرفی کرد اما همان‌طور که درآمدهای نفتی کشور تحت تأثیر سیاست‌های عرضه بالا و قیمت‌های پایین قرار گرفت، تأمین مالی این ابرپروژه نیز به طور مستقیم متأثر شد و پروژه را به سمت آنچه «به محاق رفتن» نامیده می‌شود، سوق داد.

تأثیر مستقیم کاهش درآمدهای نفتی بر ننوم: صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) که متولی اصلی تأمین مالی ننوم است، مستقیماً از مزاد درآمدهای نفتی تغذیه می‌کند. با افزایش کسری بودجه به دلیل نرسیدن قیمت نفت به نقطه سر به سر، منابع قابل دسترس برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری عظیم مانند ننوم بشدت کاهش یافته است.

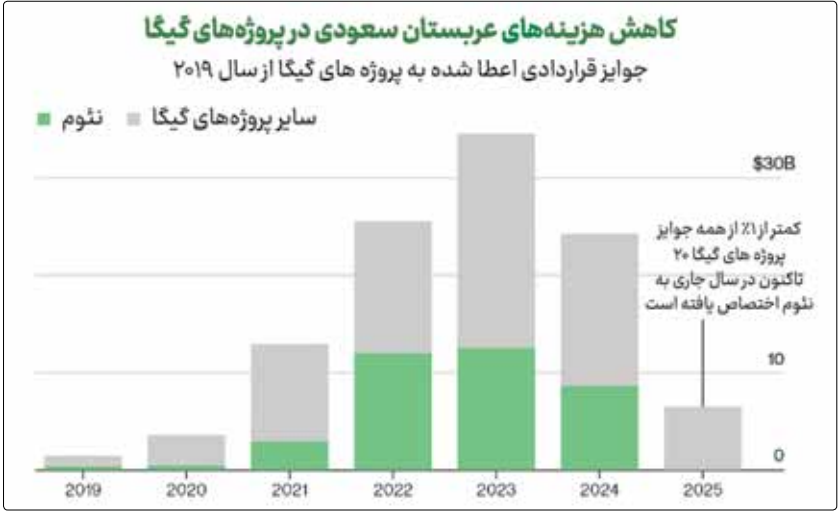
– **اوج سرمایه‌گذاری در ۲۰۲۳:** در دوران اوج خوش‌بینی و تزریق منابع، صندوق PIF تنها در پروژه‌های مرتبط با ننوم، ۱۲۶ میلیارد دلار قرارداد سرمایه‌گذاری امضا کرد.

– **عقب‌نشینی در سال جاری:** در پی کاهش قیمت نفت و تشدید کسری مالی، سرعت سرمایه‌گذاری به‌طور دراماتیک کاهش یافته است. در سال جاری میلادی، گزارش‌ها نشان می‌دهد PIF تنها موفق به امضای ۲۰ میلیون دلار قرارداد درباره ننوم شده است. این کاهش از ۱۲۶ میلیارد دلار به ۲۰ میلیون دلار نشان‌دهنده یک عقب‌نشینی عظیم وادار شده از ابرپروژه‌هاست. در نتیجه، برنامه‌های زمانی اولیه برای تکمیل بخش‌هایی از لاین و جذب جمعیت اولیه، عملاً لغو شده یا به تأخیرهای طولانی مدت افتاده است. این وضعیت نه‌تنها از نظر مالی یک ضرر بزرگ است، بلکه وجهه و اعتبار عربستان را در سطح بین‌المللی که بر اساس توانایی اجرای پروژه‌های عظیم تعریف شده بود، نیز خدشه‌دار می‌کند.

■ **نتیجه‌گیری**

وابستگی و همسویی استراتژیک عربستان سعودی با سیاست‌های نفتی که به‌طور مستمر قیمت نفت را به نفع اقتصاد آمریکا در سطوح نسبتاً پایین حفظ کرده است، بهای سنگینی برای پادشاهی سعودی در پی داشته است. این سیاست که ظاهراً با هدف تضمین امنیت ژئوپلیتیک طراحی شده، عملاً به افزایش کسری بودجه، فرسایش ذخایر ارزی و ایجاد گسست ۴۵ دلاری میان درآمد نفتی واقعی و نیازهای مالی توسعه‌ای منجر شده است.

اثر عینی و ملموس این خسارت خودخواسته در توقف و کند شدن پروژه ننوم – شاخص‌ترین نماد تحول عربستان – نمایان است. وقتی کشوری برای تأمین هزینه‌های خود نیازمند نفت ۱۱۱ دلاری است اما نفت را با قیمت ۶۰ دلار می‌فروشد، بزرگ‌ترین پروژه توسعه‌ای آن عملاً فلج می‌شود. این واقعه نشان می‌دهد در توازن میان ژئوپلیتیک و اقتصاد، عربستان سعودی در این برهه، منافع متحد خود را بر توانایی‌اش برای اجرای چشم‌انداز داخلی خود ترجیح داده و هزینه این انتخاب را اکنون باید با تأخیر و تضعیف رؤیای ننوم پردازد.



کاهش هزینه‌های عربستان سعودی در پروژه‌های گیگا از سال ۲۰۱۹: جوایز قراردادی اعطا شده به پروژه های گیگا از سال ۲۰۱۹

هموار کند. اگر دولت مدل قابل قبولی ارائه کند، مجلس آماده بررسی است اما حذف ساده و بی‌جایگزین به معنی گرفتن امید ۵۰

■ **بهانه‌های وزارت راه و شهرسازی در اصرار به حذف ماده ۵۰:** یکی از دلایل مطرح‌شده توسط وزارت راه و شهرسازی برای عدم اجرای قانون، طرح مساله کمبود زیرساخت‌ها در مناطق جدید است. ساخت‌وساز خارج از محدوده موجود شهرها نیازمند تأمین آب، برق، گاز، جاده، مخابرات، مدرسه و سایر خدمات عمومی است. در حالی که قانون هیچ محدودیتی نگذاشته و می‌توان از ظرفیت‌های شهرداری‌ها، تعاونی‌ها، بخش خصوصی و حتی اراضی دولتی در اجرای پروژه‌ها استفاده کرد. مشکل اصلی این است که وزارت راه و شهرسازی انتظار دارد همه امور تنها توسط کارکنان این وزار تخانه انجام شود؛ رویکردی که عملاً روند کار را متوقف کرده است.

یکی از مسائل مطرح در کمیسیون عمران مجلس، موضوع احتکار زمین توسط بخش‌هایی از مجموعه مسکن و شهرسازی است. این وضعیت موجب شده زمین‌های آماده وارد چرخه ساخت‌وساز نشوند. راهکار پیشنهادی قطعه‌بندی زمین‌ها و تخصیص آنها به خانوارها بویژه نسل جوان است تا بتوانند به‌صورت مشترک و با حمایت‌های بانکی اقدام به ساخت مسکن کنند. این روش می‌تواند بخشی از مشکل عرضه زمین را برطرف کند.

علیرضا نوین، عضو کمیسیون عمران در این زمینه گفت: «بخش خصوصی آمادگی کامل برای ورود به پروژه‌های مسکن دارد. پیشنهاد مطرح‌شده این است که زمین در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد و این بخش بدون پرداخت اولیه هزینه‌های پروانه و بیمه، پروژه‌ها را آغاز کند. پس از تکمیل ساخت‌وساز، آورده‌ها محاسبه و سهم‌بندی شود. این مدل می‌تواند سرعت اجرای پروژه‌ها را افزایش و بار مالی دولت را کاهش دهد. با این حال تاکنون دولت به این ظرفیت توجه نکرده و حتی پیشنهاد حذف ماده ۵۰ برنامه هفتم را مطرح کرده است، احتمالاً به دلیل هزینه‌بر بودن آماده‌سازی زیرساخت‌ها و نگرانی از تعهدات آینده است.»

وزارت راه مدعی افزایش ۴۷ هزار هکتاری ظرفیت

سه‌شنبه ۴ آذر ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۴۷۱

اقتصادی

معرفی کتاب

جنگ‌های ارزی

کتاب «جنگ‌های ارزی» نوشته جیمز ریکاردز با ترجمه انتشارات دنیای اقتصاد، اثری تکان‌دهنده و روشنگر درباره یکی از پنهان‌ترین و در عین حال تأثیرگذارترین عرصه‌های رقابت بین کشورهاست. ریکاردز در این کتاب با زبانی روان و قابل درک برای عموم خوانندگان، به تشریح این مفهوم می‌پردازد که

جنگ‌های ارزی در واقع نبردهایی پنهان هستند که در آنها کشورها به جای سلاح‌های متعارف، از ابزار پولی و مالی برای کسب برتری اقتصادی استفاده می‌کنند. این کتاب به شکلی جذاب تاریخچه جنگ‌های ارزی را از دوران باستان تاکنون بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه امپراتوری‌ها و دولت‌های مختلف تاریخ از طریق دستکاری ارزش پول به عنوان سلاحی برای تضعیف رقبا و تقویت موقعیت خود بهره برده‌اند. ریکاردز با بررسی رویدادهای تاریخی مهمی مانند کنفرانس برتون وودز، فروپاشی سیستم برتون وودز و بحران‌های مالی اخیر، الگوهای تکراری را در رفتار کشورها شناسایی می‌کند که برای خواننده بسیار شگفت‌انگیز خواهد بود. این کتاب، دارای دانستنه‌هایی جذاب و قابل فهم برای عموم افراد است. ریکاردز که خود مشاور ارشد مالی و اطلاعاتی در پنتاگون بوده، از تجربیات عملی خود برای ارائه تحلیلی مستند و متقاعدکننده بهره برده است. او بخوبی نشان می‌دهد که چگونه جنگ‌های ارزی می‌توانند بر زندگی روزمره مردم، قیمت کالاها، ارزش پس‌اندازها و حتی امنیت شغلی آنان تأثیر بگذارند.

اخبار

رشد ۲٫۸ درصدی تجارت خارجی

غیرنفتی نسبت به سال گذشته

بر اساس آمارهای منتشر شده در ۷ ماه اول امسال، تجارت کالاهای غیرنفتی نسبت به سال گذشته از نظر وزنی حدود ۲٫۸ درصد افزایش و از نظر ارزشی ۹٫۷ درصد کاهش داشته است.

به گزارش ایسنا، بر اساس آمارهای منتشر شده محرک در ۷ ماهه سال ۱۴۰۴، میزان صادرات غیرنفتی حدود ۹۱٫۹ میلیون تن و به ارزش ۳۲ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که در ۷ ماه نخست سال گذشته ۸۹ میلیون تن کالا به ارزش ۲۳ میلیارد و ۶۳۶ میلیون دلار صادر شده است. مقایسه صادرات امسال با مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد افزایش ۳۲۰ درصدی در وزن و کاهش ۱۸۸ درصدی در ارزش دلاری داشته است. همچنین در این بازه زمانی ۷ ماهه ۲۲٫۳ میلیون تن کالا به ارزش ۳۴٫۲ میلیارد دلار وارد شده است. این رقم سال گذشته ۲۱ میلیون و ۹۴۴ هزار تن به ارزش ۴۰ میلیارد و ۸۰۴ میلیون دلار بوده است. مقایسه آمار واردات امسال و سال گذشته نیز نشان می‌دهد واردات، افزایشی ۱۶۰ درصدی در وزن و کاهش ۱۶۰٫۷ درصدی در ارزش داشته است.

بر اساس آمارهای موجود، به طور کل می‌توان گفت در ۷ ماه نخست امسال وزن کل تجارت خارجی ۱۱۴ میلیون ۲۳۷ هزار تن به ارزش ۶۶ میلیارد و ۲۷۲ میلیون دلار بوده که این رقم سال گذشته ۱۱۱ میلیون و ۳۸ هزار تن به ارزش ۷۳ میلیارد و ۴۴۰ میلیون دلار بوده است و نشان می‌دهد میزان تجارت کالاهای غیرنفتی از نظر وزنی حدود ۲٫۸ درصد افزایش و از نظر ارزشی ۹٫۷ درصد کاهش داشته است.

بیت‌کوین رکورد نزولی را شکست

بیت‌کوین چهارمین کاهش هفتگی متوالی و طولانی‌ترین روند نزولی از ژوئن ۲۰۲۴ تاکنون را ثبت کرد، در زمانی که جبران ضررهای هفته گذشته را آغاز کرده است.

روند قیمت این رمزارز در مسیر بدترین عملکرد ۳ ماهه چهارم خود از سال ۲۰۱۸ تاکنون قرار گرفته و با کاهش ۲۴٫۴۳ درصدی مواجه شده است.

بعد از وضعیت ناامیدکننده، یک معیار درون زنجیره‌ای نشان‌دهنده تقاضا برای بیت‌کوین است. دلنای قیمت پیشنهادی-درخواستی کل در عمق ۱۰ درصد به دومین سطح بالای خود در سال ۲۰۲۵ رسیده است که نشان‌دهنده افزایش فعالیت خرید در زمان افت قیمت و جذب پیشنهادی فشار فروش است. آخرین بار که این شاخص پس از روند نزولی پایدار در مارس و آوریل افزایش یافت، به تشکیل کف قیمتی کمک و روند صعودی ۶۴ درصدی را تسریع کرد.

شاه داونسون، رئیس تحقیقات و پلتفرم تحلیلی معاملات آپشن «دریسو» گفت: پیش‌بینی می‌کنم تا کریپسس با شرایط سختی روبه‌رو شویم. بهبود کنونی قیمت با تغییر شدید پیش‌بینی‌ها برای کاهش نرخ بهره فدرال رزرو همسو است. زیرا احتمال کاهش نرخ بهره در دسامبر از ۴۰ درصد هفته گذشته تقریباً به میزان ۷۰ درصد افزایش یافته است. با این حال داونسون همچنان نسبت به بازگشت قیمت‌ها تردید دارد و می‌گوید بدبینی به اوج خود رسیده است و نسبت به تله صعودی محتاط خواهیم بود.

وی به فشارهای مداوم بازار آشاره و اظهار کرد: اکثر خزانه‌داری‌های دارایی‌های دیجیتال زیر ارزش خالص دارایی‌های خود معامله و مانع توانایی آنها برای اثباتست می‌شوند. همین امر را می‌توان درباره صندوق‌های قابل معامله در بورس بیت‌کوین و اتریوم که در محدوده قرمز قرار دارند نیز مشاهده کرد.

این تحلیلگر افزود: با وجود افزایش احتمال کاهش نرخ بهره، ترس از تورم پسندینه به معنای گذار کندتر به سمت تسهیل کمی نسبت به انتظار قبلی است و این موضوع، معامله‌گران را نگران می‌کند.

در حالی که احساسات همچنان در محدوده «ترس شدید» مانده، چشم‌انداز پس از جهش روزهای گذشته کمی بهبود یافته است. شانس کاهش احتمالی فدرال رزرو، از جمله پایان سیاست انقباضی کمی در اول دسامبر و تصمیم کاهش نرخ بهره آن که برای ۱۰ دسامبر تعیین شده است، می‌تواند در تعیین روند بیت‌کوین و بازارهای مالی گسترده‌تر در هفته‌های آینده نقش محوری داشته باشد.